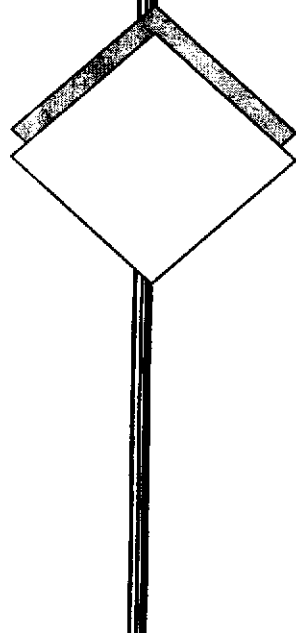


هرمونیک نزد اندیشمندان

مسلمان و غرب

هیئت تحریریه

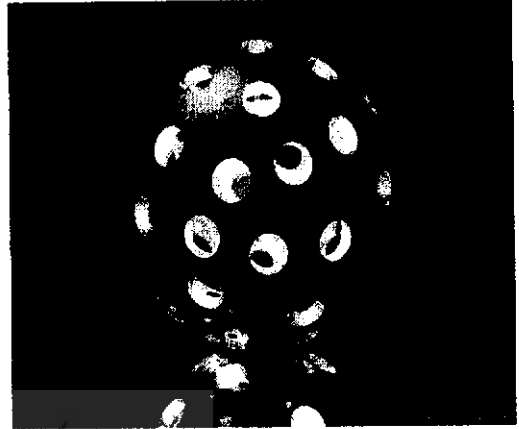
پژوهشگاه علوم اسلامی
پرتال جامع و تخصصی



شناسان مسلمان، دلالت را به عقلی، طبعی و وضعی تقسیم می کنند و دلالت دود بر آتش را عقلی، دلالت «آخ» بر درد را طبعی و دلالت چراغ قرمز بر توقف را هم قراردادی و وضعی می دانند. دلالت قراردادی به این معنی است که وقتی گروهی قرار می گذارند که چراغ قرمز بر لزوم توقف دلالت کند، از آن پس چراغ قرمز، نشانه لزوم توقف خواهد بود؛ به چنین قراردادی وضع می گویند. لفظ هم که این گونه بر معنی دلالت می کند نوعی وضع است؛ یعنی انسانها قرار گذاشته اند تا لفظ نور بر آن معنی خاص دلالت کند^۱.

بنابراین، زمانی می توان معنی آن لفظ را فهمید که از آن قرارداد مطلع بود. این قراردادها گاهی به شکل رسمی است، مثلاً فرهنگستان قرار می گذارد که از این پس به چنین موجود فضایی «چرخ بال» گفته شود (وضع تعیینی) و گاه هم قراردادها به شکل غیر رسمی بوده و عرف طی مدت زمانی با بکارگیری لفظ معنی را استعمال می کند (تعیینی)^۱. برای فهم این قراردادها راههایی ارائه شده است، یکی از این راهها آن است که

متن شناسی مسلمانان با اشاره ای کوتاه و تطبیقی به هرمنوتیک



ابتدا دو اصطلاح را معنی می کنیم؛ ۱- علم اصول: قواعدی که برای فهم مقصود دینی به ما کمک میکنند. ۲- هرمنوتیک [hermenotic] از فعل یونانی [hermeneuein] به معنای تفسیر کردن مشتق شده است و در اصطلاح بر عملی اطلاق می شود که به امکان فهم و راههای آن می پردازد.

در این نوشته سعی شده است متن شناسی علماء مسلمان به طور خلاصه آورده شود و در ضمن آن، به برخی از مسائل هرمنوتیک غرب اشاره شده و گاه پاسخی گفته می شود. انسانها در مواردی چیزی را نشانه چیز دیگری می دانند؛ مثلاً دود را نشانه آتش می دانند. این نشانه گذارها دلالت نام دارد. زبان

^۱ - محمد رضا مظفر، منطق مظفر

تغییر دهد ولی با آوردن نشانه‌هایی می‌تواند منظور خود را به ما بفهماند. با این همه با توجه به آن که هدف اصلی الفاظ و دیگر دلالت‌ها رساندن مقصود به مخاطب است و این که مسلمانان معتقدند واقعاً خدایی وجود دارد و خدا پیامبری را فرستاده تا نظرات خود را به انسانها منتقل کند و بر اساس این اعتقادات برای آن‌ها فهم مراد خدا و نمایندگان او مهم است.

اما چگونه باید مراد متکلم را فهمید؟ متن‌شناسان مسلمان می‌گویند: گاه الفاظ به گونه‌ای هستند که شنونده به مراد متکلم یقین پیدا می‌کند (نص) و گاه الفاظ به گونه‌ای هستند که باعث می‌شود، مخاطب به معنایی از معانی احتمالی گمان ببرد که به آن ظاهر می‌گویند.^۱ در اینجا دو بحث وجود دارد: ۱- ظاهر چیست؟ ۲- آیا این گمان شنونده معتبر است؟ مهمترین راه شناخت ظاهر، شناخت آن قراردادهای عرفی (وضع) است و قراردادهای عرفی را می‌توان از راه‌های ذکر شده (تبادر، صحت سلب، صحت حمل، قول

وقتی اهل زبان لفظ را می‌شنوند معنایی که زودتر به ذهن می‌آید می‌گویند، پس طبق قرارداد عرف لفظ برای آن معنی، معنای لفظ است؛ مثلاً وقتی می‌توان به موجود دو پای این چنینی انسان گفت؛ همینطور وقتی به موجودی که معمولاً چهار دست و پا راه می‌رود نمی‌توان انسان گفت، این نشان می‌دهد که لفظ انسان برای آن موجودات وضع شده است. البته لغت دانان نیز با کمی مناقشه به شناخت قراردادهای عرفی کمک شایانی می‌کنند.^۱

نکته دیگری که به آن می‌توان پرداخت، بررسی نقش متکلم است. در غرب آغاز هرمنوتیک با هرمنوتیک مولف محور بوده است (۱). (شلایر ماخر)؛ در مورد نقش متکلم زبان‌شناسان مسلمان^۲ معتقدند: وقتی لفظ به کار برده می‌شود معنای آن به ذهن می‌آید و این ارتباطی با متکلم ندارد ولی اگر بخواهیم منظور متکلم را بفهمیم طبیعی است که نظر او و اراده اوست که مهم است. البته او با اراده اش نمی‌تواند معنای متفاهم عرفی را

^۱ - ریچارد پالم - هرمنوتیک

^۲ - شیخ مرتضی انصاری، فراند الاصول، جلد ۱

^۳ - همان ص ۱۸

^۴ - منظور از کلمه «زبان‌شناسان مسلمان» در کل این مقاله علماء علم اصول است.

مسائل دیگر نیازمند است و پس از طی مراحل سنگین تفسیری اگر معنای متن روشن شد و از اجمال به ظهور رسید، آن ظهور معتبر خواهد بود؛ ولی اگر تفسیر نتوانست معنای آن را روشن کند، در آن صورت لفظ مجمل بوده، بی اعتبار خواهد بود. شایان گفتن است، سخنانی که ظاهر یا نص هستند تفسیر پذیر نیستند؛ چون تنها، سخنانی که معنای روشنی ندارند تفسیر می خواهند و عقلاً هیچ گاه ظاهر کلام یکدیگر را تفسیر نمی کنند و زمانی کلام را محتاج به تفسیر می دانند که معنای آن را نفهمند.

دو نظر استثنائی هم در مورد ظاهر وجود دارد: یکی نظر اخباریون است که معتقدند ظواهر قرآن بر خلاف سنت، حجت نیست. آن ها اگر چه در نتیجه، با هرمنوتیک مدرن یکسان هستند، اما راهی که طی می کنند با راه غربیان تفاوت زیادی دارد. آن ها فهم قرآن را منحصر به رسول الله (ص) و آل او (ع) می دانند، و روایاتی را نیز به عنوان مؤید می آورند. این نظریه مدتها است که منسوخ شده و با توجه به روایاتی که ما را موکداً به قرآن ارجاع می دهند بطلان این نگاه روشن است. نظریه دیگری که واقعاً نادر است، نظریه

لغوی (شناخت و این احتمال که مؤلف، با این زبان سخن گفته. اما معنای جدیدی را اراده کرده، بسیار ضعیف است؛ البته اگر بخواهد معنایی غیر از معنای متعارف آن زبان را برساند (قرینه) و اصل آن است که قرینه ای وجود ندارد. نتیجه آن که ظاهر به معنای متفاهم عرفی است که تفهیم و تفاهم در عرف با آن انجام می شود.

پس از شناخت ظاهر این سوال پیش می آید که آیا ظاهر با توجه به آن که گمانی بیش (هر چند قوی) نمی آورد باز هم معتبر است؟ پاسخ آن این است که ظاهر هم ملاک عمل قرار می گیرد و دلیل اصلی آن، همان رفتار مردم جهان و عقلاء است و عقلاء به ظاهر کلام شان ترتیب اثر می دهند. و به احتمال این که متکلم غیر آن را اراده کرده باشد توجه نمی کنند. و این مطلب را در مسائل حقوقی و رفتارهای روزمره به روشنی می توان دید. اگر سخنی ظاهر نداشته باشد یعنی به گونه ای باشد که انسان معنای آن را نفهمد، مانند «خورشید آبی دریا» آن گاه آن سخن را مجمل دانسته، تفسیر پذیر می داند. البته تفسیر متن نیز به راهکارهایی از قبیل شناخت شرائط زمانی و مکانی متن شناخت خود متکلم و

یک استعمال در بیش از یک معنای مستقل است. توضیح آن که برخی از هرمنوتیک دانان افراطی غرب، چون گادامر و محققان^۱ شرقی تابع آن معتقدند که هر متنی تفسیر می‌خواهد و هر تفسیری آینه پیش فرضها و قضاوت‌های خواننده است، در نتیجه یک متن به تعداد خواننده معنی دارد. یعنی متکلم در یک استعمال لفظ را در چند معنی به کار برده است. این مطلب مورد نقد جدی زبان‌شناسان مسلمان است. آنان چنین چیزی را محال می‌دانند؛ زیرا معتقدند، پس از آن که قرار گذاشته می‌شود لفظ نشانه‌ی معنای خاصی باشد، به تدریج لفظ در آن معنی محو می‌شود و به اصطلاح چهره آن معنی می‌شود و همانطور که چهره انسان است؛ لفظ نیز همان معنی می‌شود. با همین دلیل، الفاظی که بر معنای مثبتی دلالت می‌کنند زیبا هستند و زشتی معنی به لفظ سرایت می‌کند. به همین دلیل محال است که یک لفظ در آن واحد چند معنی داشته باشد؛ چنانکه یک چهره در آن واحد نمی‌تواند چهره دو انسان باشد؛ به عبارت دقیقتر، همانطور که نمی‌شود یک معنی دو

صاحب قوانین است. ایشان معتقدند اگر متکلم نخواهد کلام خود را به شخصی برساند، کلام او نسبت به آن شخص معتبر است؛ یعنی ظاهر تنها برای کسانی لازم العمل است که متکلم قصد داشته با آن‌ها سخن بگوید. در مورد این نظر، دیگر زبان‌شناسان معتقد هستند که ظاهر اختصاصی به مخاطبان ندارد؛ مثلاً اگر شخصی اقرار کند و کسانی بخواهند شهادت بر اقرار بدهند لازم نیست اقرار کننده آن‌ها را مخاطب قرار داده باشد. ولی حتی اگر نظریه محقق قمی پذیرفته شود، باز هم در مورد متون اسلامی مشکلی ایجاد نخواهد شد، چون اکثر متون اسلامی با مخاطب عام رو برو هستند^۱. به این روایت توجه کنید: «کلامکم نور»^۲؛ در اینجا مطمئناً کلام شفاهی برای شنونده خاص منظور نیست؛ یا آن‌جا که قرآن خود را کتابی می‌شناساند که برای همه انسانها نازل شده است: «و او وحی الی هذا القرآن لاندرکم به و من بلغ»^۳.

آخرین بحث زبان‌شناسی که با هرمنوتیک ارتباط مستقیم دارد، به کارگیری یک لفظ در

^۱ - محمد رضا مظفر، اصول فقه، جلد ۲، ص ۱۴۱

^۲ - زیارت جامعه

^۳ - قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۹

^۴ - محمد مجتهد شبستری، هرمنوتیک کتاب و سنت

الفاظ می دانند؛ یعنی بطن واقعیت اعظم و اعلیٰ لفظ است. در واقع قرآن دارای ابعاد گسترده ای است که لفظ، تنها یکی از آن ها است. این گروه آیات مربوط به «لوح محفوظ» را مربوط به این مطلب می دانند. ولی حتی در افراطی ترین نگاه عارفانه که بطن را معنایی مهمتر از ظاهر می دانند؛ باز هم ظواهر اعتبار خود را حفظ می کنند و بنا بر نظر ابن عربی، باطن زمانی قابل عمل خواهد بود که با ظاهر مخالفتی نداشته باشد.

معنی شود، یک لفظ هم که فانی در یک معنی است نمی شود در دو معنی استعمال شود از این سخن که بگذریم باید گفت: طبق قراردادهای عرفی هر لفظ معنای خاصی دارد و استفاده از لفظ برای معنای جدید نیازمند قرارداد جدیدی است و این منطقی نیست که با اهل یک زبان و همان زبان، ولی با قراردادهای جدید از خود ساخته سخن گفت؛ بنابراین نمی توان یک لفظ را در چند معنی استعمال کرد.

تنها مسأله ای که به نظر، مؤید هرمنوتیک هرمنوتیک دانان غربی می آید، بحث بطون قرآن است.

روایات تأکید می کند که قرآن بطون زیادی دارد.^۱ در مورد این بحث چند برداشت وجود دارد؛ برخی از مفسران هر بطن را مصداقی از مصادیق یک معنای گسترده می دانند؛ مثلاً یکی از مصادیق و بطون «فاسئلوا اهل الذکر» علمای یهود و مصداق کامل آن اهل بیت هستند و هر کدام بطنی از بطنهای آیه کریمه هستند.^۲ برخی از فلاسفه بطن را نه از سنخ لفظ و معنی، بلکه از سنخ حقایقی و رای

^۱ - عزالدین کاشانی، مصباح الهدایه

^۲ - آیت ا... معرفت، التفسیر المفسرون